



— هوره هفتم تقينيه —

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۸۲		۸۲
تاریخ تاسیس آذر	مندرجات	قیمه اشراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سالیانه ده تومان
جلسه پنجمین ۷	خواهد بود	خارج « دوازده تومان
آذر ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	قیمه تک شماره
مطابق ۲۵ جادی الثانيه	مطبعة مجلس	يك قران
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۷ آذر ماه ۱۳۰۸ * (۲۵ جادی الثانیه ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۳) مذاکرات در لایحه تأمین مدعی به از ماده یازدهم
- ۴) ششم جلسه و تعیین موقع و دستور جلسه بعد

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره مرخصی

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز یکشنبه ۲ آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

* * * عین مذاکرات مشروح هشتاد و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین جلسه ۸۰

غائبین با اجازه آقایان : شهبازی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - ملک آرائی - امیر ابراهیمی - محمود رضا - هزار جریبی - شی - بیات ماکو - دیوان بیگی - مؤید احمدی - آقایان : طالبش خان - تیمور تاش
غائبین بی اجازه : آقایان : میرزا حسنخان وثوق - دکتر سنک - آصف - اعظم - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک .
دیر آمده با اجازه - آقای حکمت

غائبین جلسه ۸۱

غائبین با اجازه آقایان : حسنعلی میرزا دولتشاهی - ملک آرائی - خطیبی - محمود رضا - محمد علی میرزا دولتشاهی - بیات ماکو - فاضلی نوری - صادقی - ملک مدنی - طالبش خان .
غائبین بی اجازه : آقایان : میرزا حسن خان وثوق - دکتر سنک - آصف - اعظم - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - تیمور تاش
دیر آمدگان با اجازه - آقایان : رهبری - افخمی - زوار - پورحسین - دهستانی - دشتی - کیا - اسدی - حکمت
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : فراگوزلو - شریعت زاده - چشمبندی - فتوحی

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (معارضی نبود) صورت مجلس تصویب شد .

[۲ تصویب دوفقره مرخصی]

رئیس - دوفقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده قرائت میشود تا تکلیفش معلوم شود :

(۱) نماینده محترم آقای عراقی برای رسیدگی با امور محلی از تاریخ حرکت الی یکماه تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم می نماید .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده کاملاً موافق هستم که ایشان تشریف فرما بشوند و امورات ملکی و غیر ملکیشان را اصلاح کنند اما فتوی که در ایشان بنده سراغ دارم مقتضی این بود که این یکماه حقوقاً تخصیص بدهند بفقرای این شهر مثل اینکه آقای میرزا جواد بوشهری دو ماه و بیست و سه روز تخصیص دادند (جلالی - زعشق نابصوری هزار فرسنگ است عراقی کجا بوشهری کجا) چه قدر اسباب آسایش فقرا و دعاکوی فقرا شده است بمجلس و ملت و دولت امید وارم که ایشان هم مرحمتی بفرمایند که دعاکوی مجلس و دولت و شخص خودشان زیاد تر بشود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده همیشه نیت آقای فیروز آبادی را تقدیر و تقدیس کرده ام و خیلی هم متشکرم که همیشه این نظریات را دارند ولی البته موقع را هم بایستی ملاحظه کرد و طرف را هم ملاحظه کرد . البته همه ما ها اگر چیز داشته باشیم مقدرت داشته باشیم باید از فقرا نگهداری کنیم منتها آرزوی ما این است

زوار - (مخبر کمیسیون عرایض و مرخصی) - کمیسیون عرایض و مرخصی بفرمایشات نماینده محترم همیشه يك حسن نیتی دارد و معتقد است که البته نظر حفظ بیت المال مسلمین است و تقدیس میکند ولی از آنطرف هم مواد نظامنامه را باید از يك طرف و سابقه را هم از يك طرف ملاحظه کند . نمایندگان محترم آذر با بچیان هر وقت مرخصی داشته اند هیچوقت برای امورات شخصی زرقه اند و همیشه يك کارهای محلی داشته اند نماینده محترم آقای بیات هم که آنجا بودند راجع بکارهای محلی مشغول بودند حالا نوشته اند کمیسیون سر حدی آنجا تشکیل شده است و مخصوصاً برای رسیدگی با امور سر حدی و محلی در آنجا قید شده است و ایشان هم بجهت آنکه که بمانند البته وقتیکه کسی برای امور محلی بماند بایستی از کیسه خودش خرج کند از این جهت کمیسیون تقاضای مرخصی ایشان را مشمول مواد صریح نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی دانسته خبر آنرا تنظیم کرده و تقدیم میدارد

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر حاضر قیام نمودند) تصویب شد

(۲) نماینده محترم آقای بیات ما کوهی بواسطه گرفتاری با امور سرحدی توسط نماینده محترم آقای اسکندری تلگرافاً تقاضای تمدید مرخصی یکماه نمودند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق از تاریخ ششم آذر یکماه مرخصی ایشان را تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای حیدری

حیدری - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اینجا دیگر خیلی متأسفم بجهت اینکه ایشان تشریف نیاورده اند و از آنجا تلگرافاً مرخصی خواسته اند خوب بود تلگرافاً مرخصی بخواسته اند و حقوقشان را هم همچنانکه آقای بوشهری تخصیص میدادند بفقرای شهر خودشان حالا شاید آقایان در جواب بفرمایند که ایشان پنج مقابل این ده مقابل این در مجلسان ده میشود بنده عرض میکنم بعضی چیز هارا در شرع اسلام باید علنی بدهند تا دیگران هم بدهند زکوة را باید علنی داد . بعضی اوقات باید علنی داد تا دیگران هم تأسی کنند و بدهند حالا اینجا هم خوب بود آقای ما کوهی هم که از آنجا مرخصی خواسته اند حقوقشان را تخصیص میدادند بفقرای محل خودشان . همه اش را خودشان بخوانند بگیرند بنده کاملاً مخالفم

[۳ بقیه مذاکرات در لایحه تأمین مدعی به از ماده (۱)]

رئیس - لایحه تأمین مدعی به . شور اول . ماده بازدم قرائت میشود :

ماده بازدم - در مواردی که مطابق مواد فوق مدعی علیه یا محکوم علیه بقرارات اعتراض مینماید باید در ظرف ده روز بمحکمه رجوع کند تا با اعتراض رسیدگی شود - هرگاه مدعی علیه یا محکوم علیه در ظرف مدت مذکور بمحکمه رجوع ننمود یا محکمه پس از رسیدگی اعتراض را بيمورد دید قرار تأمین مطابق مقررات این قانون بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده تماماً مخالفت ندارم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده توجه می‌دهم مجلس را بیک قوانینی که آن ناس محال مردم دارد متوجه باشند در این موادی که میگردد و این مواد هم بدانند این دولت دولت عملی است و بمجرد اینکه هر چیزی که از اینجا رفت بیرون عمل میکند تصور نکنید که در سابق بود قانون نوشته میشد در موقع عمل گذارده نمیشد بمجرد اینکه قانون رفت فوراً بموقع عمل در میآید آنوقت می دانید شکایت بلند می شود که چرا نمایندگان توجه نمیکنند خبر آقایان نماینده ها توجه کنید این ماده مسئله تأمین مدعی به (بنده باز بمرض آقایان می رسانم) خیلی مسئله با اهمیت است که مخصوصاً این ماده اش حالا آقای مخبر را متوجه میکنم ، دو اصل در اینجا در روزهای سابق هم عرض شد . مسئله تأمین مدعی به و مدعی علیه مطابق دو اصل است . ما در کمیسیون عقیده مان این بود که مدعی کل مدعی ما همچو آنخذ کردیم گفتیم مدعی که آمده است و عرض حال داده است بمحکمه مدعی را صادق دانستیم حالا که مدعی را صادق دانستیم مطابق این تصدیق گفتیم حق دارد تقاضای تأمین کند بعضی از نمایندگان مثل آقای دکتر حسن خان و دیگران مطابق يك اصل مسلمی که این مدعی که می آید این را دعوی می کند این خبری میدهد و خبر هم قابل صدق و کذب است بمجرد اینکه میگوید من مدعی هستم اینکه صادق نیست و از طرف دیگر اصل برائت ذمه مدعی علیه است از این دینی که اودعوی میکند پس بچه مناسبت میآید در اینجا حرف او را قبول میکنید و تأمین میخواهید . حالا در اینجا برای آن چیزی که بنده در نظر آورده ام است و مطالعه کردم و حقیقه هر دو را دیدم که در نظر قابل ملاحظه است ما آمدیم مطابق آن اصل گفتیم خیلی خوب ما که نمایم با دعای مدعی بمجرد اینکه

ادعا کرد مدعی علیه را بگیریم مدعی به را از مدعی علیه بگیریم و بمدعی بدهیم. صدق واقعی صدق حکومتی نکردیم گفتیم بواسطه خاطر اینکه دعوی که میکند تأمین کند اگر ما آمده بودیم بمجرد دعوی مدعی گفته بودیم مدعی به را از دست مدعی علیه بگیریم و بمدعی بدهیم با آن اصلی که شما ملاحظه فرمودید مخالفت کرده بود ولی ما مخالفت نکردیم احتمال صدق دادیم باعتبار احتمال صدق گفتیم حق تقاضای تأمین دارد لکن در اینجا بنظر بنده که تبصره پیشنهاد کرد باید رعایت آنطرف را هم بکنیم. چرا؟ بعلمت اینکه همینجوری که احتمال صدق در دعوی مدعی هست احتمال کذب هم هست بچه دلیل؛ بدلیل اینکه بمجرد اینکه آمده است دعوی کرده است مدعی به را نگرقتیم بدهیم باو والا اگر صادق میدانستیم که باید بگیریم بدهیم پس چون احتمال میدهیم که در واقع شاید دعوی این باطل باشد و در دعوی او ذبح نباشد و ما آمدیم در اینجا فوراً حق تقاضای تأمین را باو دادیم ناچاریم حق مدعی علیه را هم ملاحظه کنیم بنده در نظر گرفتیم در اینجا در حفظ حق مدعی علیه یکی اینکه در هر جائی که مدعی تقاضای تأمین مدعی به را کرد قرار محکمه صادر شد که تأمین بشود مدعی علیه حق استیناف داشته باشد که استیناف بدهد چرا؟ چون احتمال دارد که غیر واقع باشد الان ما بمجرد صدور قرار تأمین که واقع شد مدعی علیه را تحت حکم آوردیم تأمین میکنیم مدعی به را خانه اش را فلان را تأمین میکنیم در اینجا چون یقین نداریم بر حقانیت مدعی در واقع حق استیناف را بمدعی علیه بدهیم و بگوئیم در اینجا مدعی علیه حق استیناف دارد چرا؟ برای خاطر رعایت قضاوت و عدالت ملاحظه هر دو را باید بکنیم یا اینکه بیائیم در اینجا اینکار را بکنیم بگوئیم برای جبران این چیزی که برای مدعی که هنوز ثابت نشده است حقانیت او حق تأمین باو دادیم حق استیناف را باو بدهیم پس اگر بگوئیم حق استیناف ندارد در اینجا بخوابیم قرار استیناف کمتر صادر شود و استیناف ها کمتر باشد شاید مثلاً در یک قانونی در یک

در وقوع پیشنهادات معلوم میشود

یاسائی - (مخبر کبیسون عدلیه) فرمایشانی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند چندین ارتباطی با این ماده ندارد (احتشام زاده هیچ هیچ) یک کلیاتی فرمودند بنده یادآوری میکنم مذاکرانی که در کبیسون میکردیم که مقصود از اصلاح نامین مدعی به چیست در بین لواین مربوطه بمدلیه اگر نظر آقا باشد چندین قبل آقای وزیر عدلیه یک لایحه آوردند بمجلس بعد از مذاکرانی که در کبیسون عدلیه شد گفته شد که اصلاحات بیشتری لازم دارد و آن لایحه را مشغولند در خارج که با شور با قضات اصلاح کنند و مجدداً بیآورند و آن مسئله است که ما عنوان سریع محاکمات بآن گذاشتیم گفتیم لایحه قانون سریع در محاکمات برای اینکه همه جوانها متوجه باین است که از تشریفات محاکم کاسته شود و تسریع شود چون نظر این بود یکی از حقوق که فرض میشد موجب تسریع محاکمه میشد همین مسئله بودیم مدعی به است یعنی باید اندازه که شما تضییق کردید بمدعی علیه او بیشتر و بهتر حاضر میشود برای گفتگو یعنی موجبات طفره رفتن برای او کمتر است اینطور تصور شد که اگر ما تأمین مدعی به را بدهیم بصرف تقاضای مدعی در مواردی که اسناد رسمی دارد یا مدعی به در معرض تضییع است یا سند عادی دارد یا خودش تأمین خسارت میکند محکمه مکلف باشد قرار تأمین بدهد چرا؟ چون همینقدر که اموال مدعی علیه توقیف شد او سریعتر و بهتر حاضر میشود برای اینکه محاکمه تمام شود و تصور میشود صدی سی صدی چهل از گفتگوها در خارج اصلاح و تمام میشود همین قدر که یک تضییعی از طرف محکمه شد کار بمساعدت و مصالحه میالجماد و البته مقصودی هم ما نداریم جز اینکه امور مردم اصلاح شود بطور مساعدت و خاتمه پیدا کند بهتر از این است که بواسطه حکم خانم طفره در اینصورت نظر حضرتعالی که مدعی علیه بطور

کلی حق استیناف داشته باشد با این نظر مخالف است. ما در ماده پنجم اینطور گفتیم که اگر مستند دعوی سند عادی بود و مدعی تأمین خسارت کرد و اگر مدعی به در معرض تضییع و تفریط بود حتماً محکمه باید قرار تأمین را صادر کند. حق شکایت قائل شدن معنیش این است که این منظور عملی نشود پس ما باید موافقت کنیم بهمین ترتیبی که تدوین شده است که موارد تأمین مدعی به بیشتر باشد و اصلاً یک نکته دیگری است که تذکراً عرض میکنم که قضاة در عمل اینطور دیده شده که از صدور قرار تأمین مدعی به حتی المقدور طفره میروند و از قانون فعلی هم چون یک قدری کش دارد ممکن است استفاده کرده و امتناع بکنند و ما برای اینکه آنها هم نتوانند امتناع کنند و طفره برونند اینجا یک مواد صریحه باید بنویسیم حالا اگر ما بیائیم و برای آنها هم یک حق شکایت هم قائل شویم این اسباب بطور جریان امور میشود و آن منظور عملی نمیشود و اسباب زحمت میشود در یکی از جلسات سابقه آقای وزیر عدلیه هم در اینجا توضیح دادند که ما باید سعی و کوشش کنیم که کارها در محاکم بالا تر (در استیناف و تمیز) زیاد متراکم و جمع نشود الان ملاحظه فرمائید اوقات محکمه استیناف و تمیز طوری است که اسباب شکایت مردم شده است تمیز وقت را برای ده ماه و یازده ماه معین میکند استیناف برای دو ماه و سه ماه استیناف ولایات (بعضی نقاط در ایالاتی که استیناف هست) آن جاها هم همین شکایت را دارند چرا؟ برای اینکه این قرار هائی که اینقدر اهمیت ندارد اوقات محکمه را میگیرد و جای محاکمات عادی را میگیرد پس ما باید سعی کنیم که آنقدر قرار و شکایت از قرار در محاکم استیناف جمع نشود. اما قسمت دوم را که فرمودید بطور کلی هر وقت مدعی تقاضای تأمین مدعی به را کرد مدعی علیه هم حق داشته باشد تقاضای تأمین خسارت را بکند این هم از یک طرف یک تضییعی است باز مدعی. چرا؟ زیرا که معلوم نیست مدعی ها اینقدر استطاعت داشته باشند که بتوانند قبلاً

تأمین نمایند خسارات را و معنای این جمله این است که اصلا مدعیان عرضحال ندهند با اصلا تقاضای تأمین نکند در صورتیکه ما باید فکرمان این باشد که این خرج نمر و پول عرضحال و مخارج مقدماتی محاکمات را بک روزی لغو کنیم چون این اسباب زحمت است (صحیح است) و بک عواید خیلی زیادی هم برای دولت ندارد و ما باید عرضحال هر مدعی را قبول کنیم بدون مخارج نه اینکه بیائیم و تضییقات وارد کنیم بار (صحیح است) این بنظر بنده خوب نیست. ما بک مورد را این جا با موافقت خودتان گذاشتیم که اگر سندش عادی بود و تقاضای تأمین کرد چون معلوم نیست سندش بک نتیجه قطعی داشته باشد لذا باید تأمین کُند خسارت مدعی علیه را و بمقیده بنده این ماده ارتباطی با فرمایشات حضرت عالی و جواهرهایی که بنده دادم نداشت ولی در موقعش باز بدرد میخورد.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب -- چون بنده حسن نظر فرمایشات آقای یاسائی دارم این است که نمیخواهم کلمه بکلمه فرمایشات شان را جواب عرض کنم چون آقای یاسائی بهر کسی که بی مرحمت باشند کلمه بکلمه بیاناتشان را جواب میدهند اما چون بنده مرحمت دارند بر سبیل کلیت فرمودند اما اینکه فرمودند مسئله ربطی ندارد قدری دقت فرمایند این جا جایی است که حق برای مدعی علیه ثابت است یعنی اگر مدعی علیه اعتراض داشته باشد میتواند تقاضای جبران خسارت بکند خوب این ربطش دیگر ربط کدام است چه جور باید ربط داشته باشد؟ ملاحظه فرمایید ما بپرویز بک ماده واحده را که هزار تا چیز داشت تحت بک ماده واحده آوردیم و گفتیم قانون است و رای دادیم. اما این جا که حق برای مدعی علیه است که اعتراض کند بیائیم و حق او را هم قائل شویم که ربط ندارد اما مسئله تضییق بر مدعی علیه را که در اینجا مناط دفاع خودتان قرار دادید متاسفانه بنده

این مکرر. نبود؟ خوب مالیات که میدهند در مقابل هم عدالت برایشان درست کنید استیناف کم است زایش کنید نیز را توسعه بدهید از آن طرف شما آن فرمایشات را بیان می کردید و همان فرمایشات جنبه مالی بک یکی از قضاة بودید بنده را هم باین خیال انداخت که از بک طرف پول میگیرند و بقوه عدالت از بک طرف دیگر پول را باید بدهید مردم و عدالت را تأمین کنید ربط بدهید استیناف را زیاد کنید محاکم را زیاد کنید بدون محاکم علیه مقتضی این است که ما بیائیم و حقوق را عدالت را جلویش را بگیریم؟ و بگوئیم چون محاکم نداریم این کار را نمی کنیم؟ نه با ما اما ادای حق رو طبقه میکنیم باید استیناف هم باشد نیز هم باشد چرا باشد؟ خوب دولت چون هنوز تا امروز موفق نشده است محاکم را توسعه بدهد آدم ندارد قاضی ندارد اشخاص ندارد ما که نباید بیائیم قانون را هم همین دلیل ناقص بکنیم اگر چرا؟ حق گذاری و حق کوهی بیائیم و بخل کنیم؟

بخل چرا؟ قانون را مطابق آنچه که وجدان و عدالت خودمان اقتضا دارد وضع میکنیم بخل هم نمی کنیم تا وقتی که کم کم دولت انشاء الله موفق شود لغوای را تربیت کند و قضاات را زیاد کند تشکیل عدله بدهد درجا ها نه اینکه از حالا بیائیم محدود کنیم اگر اینجا محدود میکنید در مالیات هم باید محدود کنید رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- بنده برای اجتناب از تکرار مطالب برای اینکه مانع از تسریع گذشتن قوانین نشده باشم فرمایشات آقای آقا سید یعقوب را چون مربوط بماده بازده نیست جواب عرض نمیکنم (آقا سید یعقوب -- بعد می فرمودید استیناف ندارند کارشان زیاد است فلان ندارند آقا ما می آئیم و سالی در اینجا هفتاد کرور هشتاد کرور مالیات بر این مردم وضع میکنیم حق عدالت هم باید بآنها بدهیم. همین جا جناب عالی نبودید که در درجه پنجم و ششم میگفتید این ملت را که از بک طرف از پول و مالیات میگیرند از بک طرف هم باید عدالت را برای شان

یعنی ماده دوازدهم است که میگوید از قرار رد تقاضای تأمین فقط میتوان استیناف داد و اگر فرمایشاتی راجع باستیناف دارند باید در آن جا بفرمایند.

رئیس -- آقای کیا مخالفند؟

کیا -- عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

اورنگ -- مخالفم.

رئیس -- بفرمائید. اما فقط در عدم کفایت مذاکرات

اورنگ -- بلی. بلی. مذاکرات را آقایان همچو

استنباط کردم کافی فرض فرمودید...

دوسه نفر از نمایندگان -- بلی

اورنگ -- نه کافی نیست بجهت اینکه ماده بنا بر اعتقاد

بنده و بنا بر نظر بنده ماده مهمی است و هر چه بحث و تدقیق و تحقیق بیشتر در اطرافش بشود و پخته تر و حلاجی تر بشود تا نتیجه مفیدتری از آن بدست بیاید بمقیده بنده بهتر است. عرض کنم که این ماده چنانچه مشاهده شد در ماده پنجم صحبت شده بود که بک قسمت از آن صحبت ماده پنجم مربوط بهمین ماده است و آن این بود ما در دوسه مورد فرض کردیم که تقاضا کنند تا تأمین وقتی تقاضا کرد محکمه موظف است تقاضای او را بپذیرد و در بک فرض هم اینطور گفتیم که محکمه مخیر است در پذیرفتن و نپذیرفتن. آن قسمتی که آن جا بنده صحبت میداشتم همچو خیال میکردم که آقای آقا سید یعقوب آقا نماینده محترم با آن مرام بنده موافقت و امروز با این توضیحاتی که در این ماده داده اند و مراوط بهمین اصل بود پیشنهادی از ایشان دادم که در این موضوع کرده اند بمقیده بنده آنچه دقت کردم و دیدم تصور میکنم مخالف آن مرام است. ایشان اصلي فرمودند که همه آقایان با آن اصل موافقت دارند و آن اصل این است که حق محفوظ بماند حالا اعم از اینکه حق پیش مدعی پیدا شود یا پیش مدعی علیه. در هر حال حق باید محفوظ بماند و حق باید بمن له الحقی برسد و عاقد شود

این اصل را خیال نمیکنم کسی منکر باشد مشکک هم ندارد حالا که این اصل درست است و باید محفوظ بماند يك مدعی را ما برایش فرض کردیم که دارای سند رسمی است گفتیم بمحکمه مربوطه بمجردی که ملاقات کردی همچو مدعی را و آن مدعی آمد و تقاضای تأمین مدعی به را کرد محکمه آن را باید بپذیرد و اگر يك مدعی را ملاقات کرد که این جبران خسارت تأمین مدعی به را در صندوق گذاشت و تقاضا کرد در این صورت هم محکمه باید فوراً بپذیرد. این هائی بود که آقایان در آن ماده پنج این قانون گذاشتند که اگر سندش عادی است آنوقت محکمه مختیر است که بپذیرد یا نپذیرد و رد کند ولی اگر قرائن قوبه و امارات شدیدة را محکمه مشاهده کرد بان مدعی میگوید حالا من قرائن قوبه دیدم سند تو هم عادی است من هم مختیرم برد یا قبول اما اگر تو که مدعی هستی تأمین کنی خسارات این تأمین مدعی به را که ممکن است پیش بیاید من که محکمه هستم این تقاضای تو را می پذیرم. من با این جای این ماده مخالف هستم و خیال میگردم که با این مخالفت بنده آقا هم همراه و موافق هستند ولی این اصلی را که آقا امروز فرمودند این اصل بکلی مغایر با آن اصل است ایشان می فرمایند اگر همچو مدعی پیدا شد پاهر مدعی که در محکمه رفت و تقاضای او قابل قبول باشد که تأمین کنند خسارات وارده بر مدعی علیه را از راه تأمین مدعی به این عقیده بنده این است که ما سد بزرگی بسته ایم جلوی ارباب حق بجهت اینکه اصل اساس مدعی شدن روی این است که حقتش را مدعی علیه برده پس این بی چیز است اصل مدعی شدن لازمه اش این است که يك متجاوزى يك متعدی در توی دنیا پیدا شده است و مال من را برده. آنوقت من مدعی میشوم بیخود و بی جهت که من مدعی میشوم. کلامی دارم کلام را يك آقای میریاید و من نازه میشوم مدعی پس آدم مال برده مدعی میشود. این درست است؟ حالا که من آدم مال برده هستم آقا موافق این اصل میفرمایند که

که خوبست از این رويه صرف نظر فرمائید و هر قدر هم مقدور است در این ماده بحث و مذاکره بیشتر بشود بهتر است و خوبست باین زودی کافی ندانید مطلب را پنج دقیقه ده دقیقه آدم خسته تر بشود این عیبی ندارد ضرری ندارد دعوض يك اصل مهمی شسته شده و منقح از مجلس بیرون میرود این عیبی ندارد که ما پنج دقیقه ده دقیقه هشت دقیقه صرف وقت بیشتر کنیم و صحبت بیشتر بکنیم که يك چیز منقحی از مجلس بیرون نه این عیب نیست عیب این است که دست پاچه بشوید دیورات تمام کنیم هوا ابر است باران است کافی نیست خبر مذاکره کافی نیست هر چه بیشتر صحبت شود بهتر است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
اورنگ - خیر کافی نیست.

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) معلوم میشود کافی نیست.

رئیس -- آقای کیا

کیا نوری - بنده موافقم

رئیس -- توبه موافق است. فرمائید

کیا - عرضی ندارم

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده - يك قسمت از فرمایشات نماینده محترم آقای اورنگ مربوط بود فرمایشات آقای آقاسید یعقوب در موضوع خراستن تأمین برای جبران خسارات مدعی علیه اصل این ماده مربوط است بمدت اعتراض بر قرار که مدعی علیه می کند و باید در ظرف ده روز بمحکمه رجوع کند تا با اعتراض رسیدگی شود. چون در مواد فوق اشاره کردیم اگر چنانچه مدعی علیه بخواهد می تواند نسبت بقرار تأمین اعتراض کند حالا در این ماده بازدم آمده و مدت اعتراض را معین کرده که هر وقت مدعی علیه بخواهد اعتراض کند بر قرار باید

در ظرف يك مدت معینی باشد (در ظرف ده روز) و مسئله تأمین خسارات اصلا مربوط باین ماده نیست مربوط است بماده پنجم که در یکی از شقوق تأمین مدعی به میگوید مدعی بایستی خسارتی که از تأمین مدعی به ممکن است بمدعی علیه وارد شود جبران کند ولی ماده بازدم ابدا ربطی با آن موضوع ندارد موضوع خسارت و تأمین در ماده پنجم است نه در ماده بازدم.

رئیس - آقای وثوق مخالفید؟

آقاسید مرتضی وثوق -- با ماده موافقم و با

فرمایش آقای اورنگ مخالفم

رئیس - آقای شریعت زاده؟

شریعت زاده - موافقم.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (نمایندگان - بلی)

تبصره پیشنهادی آقای آقاسید یعقوب قرائت میشود:

تبصره ذیل را پیشهاد می کنم که بماده بازده اضافه شود

تبصره - درکلیه مواردی که مدعی حق تقاضان تأمین

را مطابق این قانون دارد مدعی علیه حق تأمین جبران

خسارت را خواهد داشت بمعقوب الموسوی

رئیس -- ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده دوازدهم - از قرار رد تقاضای تأمین میتوان فقط

استیناف داد - مدت استیناف ده روز است.

رئیس -- آقای موید احمدی

موید احمدی -- در ماده ۱۳ فقط حق استیناف را

بمدعی داده است یعنی هرگاه مدعی تقاضای تأمین مدعی

به را رد کرد و محکمه نپذیرفت حق دارد استیناف بدهد

لیکن بمدعی علیه این حق را نداده است در حالتیکه

در پیشگاه محکمه و قانون باید مدعی و مدعی علیه

(متداعیین) متساوی باشند از حیث حق در ماده بازدم

حق اعتراض داده شده بود بمدعی علیه و میتوانست اعتراض

کند بقرار لکن اگر محکمه اعتراض اورا نپذیرفت دیگر حق استیناف بهش نمیدهند و این برخلاف تساوی حقوق است بنده عقیده ام این است که در ماده دوازدهم همچنانکه مدعی حق دارد که از قرار رد تقاضای تأمین استیناف بدهد مدعی علیه هم حق داشته باشد که اگر اعتراضانش را محکمه نپذیرفت استیناف بدهد چطور بیک طرف بدهیم و بیک طرف ندهیم ؟ از این جهت بنده با این ماده مخالف هستم و پیشنهادی کرده ام که هر دو (مدعی و مدعی علیه) حق استیناف داده شود و تقدیم مقام ریاست میکنند

رئیس -- آقای شریعت زاده .

شریعت زاده -- مخالفم .

رئیس -- آقای دکتر حسن خان .

دکتر حسنخان -- مخالفم با فرمایشات ایشان و با ماده مخیر -- مذاکرات و مداول ماده پنجم که در موارد سه گانه صدور قرار تأمین الزامی است بر محکمه اگر آقایان با آن ماده پنجم موافق نیستند یعنی میگویند در موردی که مستند دعوی رسماً است یا در صورتیکه فرضاً مدعی به در معرض تضییع است یا در موردی که سند عادی است ولی تأمین خسارت می کند محکمه نظرش مساوی باشد در قبول و رد البته ولی وقتی که ما کفایت الزامی است و اصل این است که محکمه قرار تأمین را قبول کند دیگر در اینصورت استیناف مورد ندارد زیرا استیناف در موردی است که محکمه رد کند تقاضا را ولی ما این جا اصل را قبول قرار دادیم رد قابل شکایت است نه قبول

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنظر بنده استدلالی که آقای مخیر محترم فرمودند راجع بتأیید این ماده مربوط باین ماده نیست برای اینکه مواردی را که قانون الزام کرده که محکمه باید قرار تأمین را صادر کند آن موضوع موضوع

دکتر طاهری -- بنده هم مخالفم .

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- نایبند محترم فرمودند چون برطبق مواد قبل حق داده شده است مدعی که اگر محکمه تقاضای اورا رد کرد ثانیاً تجدید تقاضا کند بنا بر این مورد ندارد که برای او حق استیناف در موقع رد تقاضای تأمین قائل شویم بنده خیال میکنم اگر بدلائل و مذاکراتی که راجع بمواد مربوطه در مجلس شد توجه میفرمودند در آنجا صریحاً گفته شده که مدعی بدون اینکه موجبات جدیدی برای تأمین مدعی به پیدا کند ربه محکمه ارائه بدهد حق ندارد بی ربط یک تقاضایی را تجدید کند اگر مدعی در ضمن محاکمه تأمین را تقاضا کرد و محکمه برای اینکه مورد را متناسب ندید تقاضا را رد کرد بعد یک جهت تازه برای تأمین مدعی به پیدا شد مدعی حق دارد تجدید کند تقاضایش را و الا اگر همان دلائل سابق بخواند تقاضا کند تصدیق میفرمائید این اسباب این میشود که محکمه از اصل موضوع منصرف شده و تمام اوقات محکمه باید صرف تقاضای بی در پی مدعی برای تأمین باشد چون اینطور نیست بعقیده بنده باید برای مدعی که ادعا میکند و میگوید که حق من در تضییع است و مدعی به من در معرض تضییع است این حق را باید قائل شویم که اگر محکمه تقاضای تأمین اورا نپذیرفت حق داشته باشد استیناف بدهد نایبند محترم آقای مؤید احمدی فرمودند چرا این حق را تنها برای مدعی قائل میشوید و برای مدعی علیه قائل نمیشوید فلسفه این است که مدعی بگوید حق من دارد تضییع میشود چون اینطور است که بخوانیم بگوئیم او هم مثل مدعی علیه حق نداشته باشد استیناف بدهد ممکن است یک حقی از او تضییع شود پس قائل میشویم که او حق استیناف دارد ولی اگر بخوانیم برای مدعی علیه هم این حق را قائل شویم تصدیق میفرمائید که کار بقدری در محاکم استیناف زیاد است که نمیشود و ما ناچاریم این رویه را تعقیب کنیم که

رئیس -- آقای دکتر مخالفید با ماده ؟

دکتر عظیم -- مخالفم

رئیس -- آقای کیا چطور ؟

کیا -- مخالفم

رئیس -- آقای دکتر طاهری

در امور محاکماتی کار های محکمه بالاتر را همیشه کم کنیم تا در کار محاکم تسریع شده باشد . اگر بخوانیم حق استیناف برای مدعی و مدعی علیه هر دو قائل شویم بنده خیال میکنم این یک تأییدی است برای بطور جریان بعقیده بنده همانطور که این ماده تنظیم شده که برای مدعی فقط حق استیناف قائل شده خوبست و کافی است و بیش از این تصور نمیکنم جا داشته باشد که ما از نظر حق دادن مدعی علیه به بطور جریان کار کمک کنیم .

رئیس -- آقای دکتر

دکتر عظیم -- در جلسه قبل عرض کردم که

اصل برائت مدعی علیه و افتراء مدعی در این جا خیلی مذاکره شد که البته اینطور است (آن جلسه و این جلسه) منتهی گفتند بسیار خوب چون آنطرفش را هم ما دیدیم که پنجاه در صد شصت در صد مدعی صحیح میگویی از این جهت یک تأمین مدعی به هم بار میدهیم حالا آمده اند این جا نه تنها آن اصل را رعایت نکرده اند بلکه اینهم که آقای آقا سید یعقوب گفتند در اینجا نیست چرا برای اینکه اگر الزامی باشد که محکمه قرار تأمین را صادر میکند و اگر غیر الزامی باشد پس پیداست که دلائل دیگری مدعی ندارد و باین جهت محکمه رد کرده آنوقت ما در این جا میآئیم و با اینکه این آدم مطابق اصل از اول صحیح نمیکفته است معذرتاً با حق میدهیم این شخص بی دلیل آمده است و یک ادعائی کرده و محکمه هم رد کرده آنوقت حق دارد که برود استیناف بدهد ؟ این مثل این است که مدعی حرفش وحی منزل است و حرف مدعی علیه هیچ . بی سند بی دلیل مدعی رفته و محاکمه کرده قرار تأمین خواسته و محکمه رد کرده آنوقت برود استیناف این چه معنی دارد اصلش این ماده بعقیده بنده زائد است اگر مورد از موارد ماده پنج بوده که محکمه مکلف است قرار صادر کند در ماده شش هم برد نه اگر مدعی آمد و جبران خسارت را تأمین کرد باز حق دارد قرار تأمین را صادر کند اما اگر نه در مورد ماده پنج و نه در مورد ماده

شش بود و محکمه رد کرد و گفت چیزی نیست سندی هم ندارد باز قائل شویم که برود استیناف بدهد؟ این بنظر بنده صحیح نیست و خیلی بد است

مخبر - عرض کنم نظریاتی در این جا آقایان اظهار کردند يك نظر این است همانطور که برای مدعی حق قائل شدیم که از قرار رد تقاضای تأمین میتواند شکایت استینافی بکند. باید این حق را هم برای مدعی علیه قائل شویم که بتواند از قبول قرار استیناف بدهد يك نظر هم این است که چنانچه در ماده سه قید شده مدعی اگر تقاضا کرد مجدداً از همان محکمه میتواند تقاضا کند و دیگر لازم نیست که شکایت استینافی بکنند در همان محکمه ابتدائی میتواند تجدید تقاضا کند ولی با يك ادله جدیدی در هر صورت ممکن است آقایان نظریات خودشان را پیشنهاد کنند پیشنهاد حذف هم اگر بشود اصلاً چیزی نیست زیرا در ماده سه نوشته که تأمین بشود و نظر اعضای کمیسیون هم این بود که حق مدعی فوت نشود حالا چه تجدید تقاضا در خود محکمه ابتدائی بشود چه در استیناف بهر صورت ممکن است آقایان پیشنهادات خودشان را بفرمایند و امیدواریم در شور ثانی بتوان موافق رأی آقایان عمل کرد.

رئیس - آقای کیا مخالفید؟

کیا - بله بنده مخالفم در ماده پنج و شش این جا همانطور که آقایان اشاره فرمودند سه قسم متصور است يك قسم تأمین مدعی بهی است که هیچ مطالبه خسارت تأمین درش نمیشود و يك قسم هم تأمین مدعی بهی است که خود مدعی حاضر میشود خسارت طرف را تأمین کند در اینجا برای محکمه زردی نیست و باید قرار تأمین را صادر کند يك قسم دیگر است که محکمه مخیر است که قبول کند یا رد بنده تصور میکنم در آن دو قسم اولی که قسم اول و ثانی ماده پنج باشد محکمه تأمین خسارتی که از طرف مدعی در تأمین مدعی به میشود لازم میدانم ولی در آن موردی که محکمه مخیر

کازرونی - بله شور اول است

مخبر - عرض میکنم ما نظر مبرمی نداریم که عین این ماده باقی باشد آقایان ممکن است پیشنهادات خودشان را بدهند در شور ثانی اصلاح میشود شاید بعضی اعضاء کمیسیون هم عقیده داشته باشند که این ماده زیاد است با حق باید بدو طرف داده شود در هر حال پیشنهاد را مرقوم بفرمائید در شور ثانی اصلاح میشود

دکتر طاهری - اجازه میفرمائید عرضم را بکنم؟ رئیس - بفرمائید

آقای سید یعقوب - چه علت دارد که بنده مدتی اجازه خواسته ام و نوبت به بنده نرسد!

رئیس - ایشان قبل از شما اجازه خواسته بودند شما هم اعتراض بر بنده نکنید شما لهجه نان لهجه ملاعی نیست بنده يك مو از تکالیف خودم تجاوز نمیکنم بیایید اینجا نگاه کنید همان حق ایشان است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بعقیده بنده این ماده عبارتش خوب تنظیم نشده و مقصود از مذاکره هم این است که اعضاء کمیسیون متوجه باشند که نسبت بموادى که پیشنهاد میشود در کمیسیون يك توجهی کنند و اصلاح شود والا ممکن بود همینطور بصرف پیشنهاد بگذرد و چیزی این جا هست که ماده سه است و یکی ماده دوازده منظور از این ماده این است که مدعی هم حق تجدید درخواست

این دارد و هم حق استیناف مقصود از این دو ماده درم گرفته این است که مدعی میتواند اگر چنانچه محکمه تقاضای تأمینش را رد کرد تجدید کند و بتواند استیناف بدهد بمالوره مدعی علیه حق استیناف ندارد مخصوصاً در ماده دوازده میگوید مدعی علیه حق استیناف ندارد تصور این است که در ماده دوازده مدعی علیه حق

استیناف ندارد و منافاتی هم ندارد چرا که ظاهر عبارت آنطوریکه نوشته شده است همچو میسراند که از قرار رد تقاضای تأمین میتوان فقط استیناف دارد و این مذاکرات دارد با ماده سه که تجدید تقاضا هم میتواند بکند آقای سید یعقوب - فقط راجع به تمیز است.

طاهری - مقصود از عبارت این است و آقایانی هم که این ماده را نوشته اند منظورشان این بود که فقط از قرار رد میشود استیناف داد نه از قرار قبول و راجع به تمیز هم نیست ولی عبارت اینطور نیست و بعقیده بنده باید عبارت طوری نوشته شود که منافاتی با ماده سه نداشته باشد و منظور را هم برساند که اگر قبول شد دیگر حق استیناف ندارد و فقط از قرار رد حق استیناف است و بعقیده بنده باید ماده جامع باشد و این اصلاح را هم لازم دارد.

ضیاء - کافی است مذاکرات

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟

آقای سید یعقوب - بنده موافقم با ماده يك اصلاح

مطلبی خواستم عرض کنم

رئیس - بفرمائید

آقای سید یعقوب - آقای شریعت زاده تشریف ندارند اگر آقایان اعضاء کمیسیون نظرشان باشد آقای وزیر این ماده را بر حسب تقاضای بنده زیاد کردند و موضوع این است که بعضی آقایان میسرانم: ما در سه مورد اول گفتیم که بر محکمه الزامی است که قرار قبول تأمین را صادر کنند بنده عنوان کردم که اگر نکرد چطور؟ گفتند کلاغ نوی چاه نمی افتد گفتند اگر افتاد چطور؟ در کمیسیون اظهار کردند که اعضاء محکمه را جلب میکنند به محکمه انتظامی بنده عرض کردم این رفع بدبختی مدعی را نمیکند فرضاً که قضاة جلب شدند بمحکمه اما حق آنکه از بین رفته است، باید جبران شود اعضاء محکمه يك خلافی کردند که مطابق قانون عمل نکردند دولت و وزیر

عدلیه اینها را جلب میکنند به محکمه انتظامی ولی حق مدعی که قانون باز حق داده بود و باید تا مین بشود چه میشود؟ در اینجا برای حفظ کردن حق مدعی که تقاضای تأمینش الزامی بود ما آمدیم و استیناف قائل شدیم نظر قبول استیناف برای این بود نظر آقای احتشام زاده که در همه چیز اعلم العلماء هستند خوبست بماده سوم هم باشد ما گفتیم که تا محاکمه تمام نشده است در تمام این موارد حق تجدید این را دارد حالا گفتید يك دفعه حق ندارد؟! جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود:

بنده پیشنهاد می کنم ماده دوازده حذف شود دکتر حسن خان

پیشنهاد میکنم ماده دوازده بطریق ذیل تدوین شود ماده ۱۲ - از قرار رد تقاضای تأمین و عدم قبول اعتراضات مدعی علیه میتوانند فقط استیناف بدهند مدت استیناف ده روز است مؤید احمدی

پیشنهاد می شود ماده دوازده بترتیب ذیل نوشته شود:

ماده ۱۲ - حق استیناف فقط در صورت رد تقاضای تأمین است الی آخر ماده دکتر طاهری

رئیس - ماده سیزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۳ - در صورتیکه مستدعی تأمین بموجب حکم قطعی محکوم به بطلان دعوی شد طرف ادرحق خواهد داشت خسارتی را که از تأمین باو متوجه شده است مطالبه کند رئیس - آقای احتشام زاده

احتشامزاده - موافقم

رئیس - مخالفی نیست؟ (نمایندگان - خیر)

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - اقسام تأمین عبارتست از توقیف اموال

منقول و غیر منقول .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا اصلاح عبارتی لازم است آقای مخبر این نکته را توجه بفرمائید نوشته قسمت دوم در اقسام تأمین ماده چهارده : اقسام تأمین عبارتست از توقیف اموال منقول و غیر منقول و بهتر این است نوشته شود تأمین عبارت است : این کلمه توقیف بمعنی بنده زائد است برای اینکه تصدیق بفرمائید از وقتیکه این کلمه در قانون و وزارتخانههای ما پیدا شده است خیل اسباب زحمت شده است هر جائی که (ت) و (وار) و (قاف) و (ی) و (ف) برش آمده است بکلی آرا خراب کرده . اموال سپهسالار سالی سیصد هزار تومان چهار صد هزار تومان عوایدش بوده بعنوان اینکه توقیف شده این عواید رفته بنده عقیده ام این است که عوض کلمه توقیف چیز دیگر بنویسیم مثلاً تأمین عبارت است از تحت نظر گرفتن اموال منقول و غیر منقول این کلمه را از بین بردارید بلکه مردم بیچاره راحت بشوند .

مخبر - در قسمت اولش ممکن است این قسمت را حذف کرد و نوشت اوع تأمین ولی در قسمت دوم بر فرض که بجای کلمه توقیف کلمه دیگر بنویسیم تصدیق می فرمائید که تغییر لفظ مفهوم را تغییر نخواهد داد (صحیح است)

آقا سید یعقوب - شاید تغییر نکند .

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود :

ماده پانزدهم - اموالی که مطابق مقررات راجعه باجری احکام از مستثنیات دین محسوب است نمیتوان بعنوان تأمین توقیف نمود .

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده البته در تحت عنوان مخالفت اینجا آمده ام برای بیان يك عرضی لکن پس از معروض داشتن

اینطور مفهوم خواهد شد (که چون عنوان برای آمدن اینجا غیر از عنوان موافقت و مخالفت موجود نیست بلی از این دو عنوان را انسان باید بهانه کند برای عرض مقصود و مقصود را که عرض کردم ملاحظه بفرمائید) مخالفت صرف نیست بلکه طلبیدن يك توضیحی است . عرض کنم اینجا ماده پانزدهم میگوید : اموالی که مطابق مقررات راجعه باجری احکام از مستثنیات دین محسوب است نمیتوان بعنوان تأمین توقیف نمود . مستثنیات يك عنوانی دارد در فقه آن عنوان مشروح است و مفصل ضد بنده از این توضیح این است که میخواهم بدانم این عطف است بهمان بابی که در کتب فقهیه مدیون و معنون است و جزء جزئیات شرح داده شده است این همان را می رساند ؟ چون يك چیزی هم دیدم در اینجا يك مستثنیاتی را برای دین و اجرای احکام سابقاً گفته اند و گذرانده اند در آنچه من بعضی چیزها را ندیده ام که آنها در شرح عنوان دارد و بعضی چیزها را دیده ام حالا میخواهم بدانم که این ماده چکار میکند ؟ شامل آن قسمتی است که در شرح مصرح است و تدوین شده است شامل آن قانونی است که سابقاً بی ذکر بعضی از مستثنیات دین اینجا عبور کرده ؟ این کدام است ؟ حالا مثلاً در این قانون من دیدم خانه را اسم نبرده ساکت شده حالا این سکوت یکوقت این است که زبس مسلم بوده لازم حالسته ذکر کند یکوقت این است که در عمل میگوید چون در اینجا ذکر نشده ما خانه را از مستثنیات دین محسوب نمیداریم و مستثنی نیست و باید ازش گرفت از آن طرف هم حالا گفتیم اگر سر آن موضوع برویم حرف دیگر هم هست يك پارکی از يك پدری من میرسد بنده پنج تومان مدیونم به آقا پارك قیدتمش دو کرو را است من پنج تومان را به آقا نمیدم میگویم خانه را هم توقیف کنید آن صحبت سر جای خودش است قصد این است که این ماده فعلاً ناظر بچه چیز است ؟ این را استدعا میکنم آقای مخبر محترم کیسیون يك توضیح رافی و جامعی ما مرحمت کنند که ما اقتناع بشویم که ماده راجع

به مستثنیات دین اشاره به چه قانونی است و به کجا است ؟ این توضیح را میخواهم و الا غرضم موافقت و مخالفت هیچکدام نبود .

مخبر - عرض میشود استیضاحی که فرمودند راجع به مستثنیات دین . البته ما که در اینجا قانون می نویسیم نظرم آن به مقرراتی است که در قوانین عدلیه است در قسمت مستثنیاتی که فعلاً هست همان است که در قانون مدنی هست و هیچ مخالفتی نیست . الان مستثنیاتی که قانوناً مقررات بنده عیناً میخواهم بعد راجع بآن موضوعی هم که ایشان تذکر دادند مذاکره می کنیم . مستثنیات دین بموجب ماده ششصد و سی قانون معتبر فمسی این است : اشیاء مفصله که از مستثنیات دین است توقیف نمیشود (۱) لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفای حوائج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است (۲) آذوقه موجوده بقدر احتیاج يك ماهه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب النفقه (۳) استاد مدیون با مستثنای کاغذ های قیمتی و سهام شرکت ها (۴) لباس رسمی و نیم رسمی مدیون و هم چنین اسلحه و اسب اهل نظام حاضر خدمت (۵) اسباب و آلات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و هم چنین درایی که برای زراعت لازم است ، اینها قانوناً مقرر است از مستثنیات دین است و توقیف نمیشود . اما مسئله خانه که فرمودند همالطور است که اظهار کردند شرعاً مقرر است که خانه هم نباید توقیف بشود برای اینکه از مستثنیات دین است ولی معنای خانه چیست این یکقدری مورد اختلاف است خانه باصطلاح فارسی که ما داریم در بعضی جاها اطابقراخانه میگویند (بعضی از آقایان میدانند) ظاهر این است که بیت که مورد مذاکره و عنوان شرعی است همان است که محل ومسکن يك شخصی است والا بقول خودشان يك پارکی یا يك عمارتی معلوم نیست که محل نظر باشد وقتی که يك مدیونی دارائیش منحصر بيك پارکی است که چهل پنجاه هزار تومان قیمت دارد

اگر بنا شد این از مستثنیات دین باشد و ده هزار تومان هم طلبکار داشته باشد هیچ چیز به طلبکاران ندهیم ؟ این مقصود نیست . مقصود آن چیزی است که در خور شأن او است و باندازه احتیاج است بنا بر این بسته بنظر قاضی و حاکم است که ببیند چه اندازه مورد احتیاج او است آنرا مستثنی کنند و اینهم الان معمول به و مجری است هیچوقت نمبروند خانه کسی را که زن و بچه او در آن ساکن است در قبال دین کسی توقیف کنند . (صحیح است)

رئیس -- آقای حاج سید محمود

حاج سید محمود -- عرض کنم اینجا نوشته اند : اموالی که مطابق مقررات راجعه با اجرای احکام از مستثنیات دین محسوب است نمیتوان بعنوان تاهین توقیف نمود . اگر مدعی به عین مستثنیات باشد چه ؟ بلکه خوب اینطور ممکن است بشود . اگر مدعی به یکی از مستثنیات باشد چه میشود ؟

طهرانی -- توقیف نمی شود

مخبر -- اگر چنانچه مدعی به فرضاً عین همین ها باشد توقیف نمیشود . (صحیح است) چرا ؟ برای اینکه لباس يك مستخدمی که در سربازخانه دارد خدمت میکند...

حاج سید محمود -- چرا منحصر لباس میکنند

یاسائی -- چرا آن چیزی که بنده میفهمم این است این را نمیشود اصلاً يك جائی آورد و توقیف کرد باسم اینکه مدعی دارد . اگر يك بزازی شکایت کرد از يك سربازی که این لباس نظامی که تن تو است پارچه اش را از من خریده ای و پولش را نداده ای عین این مال است یا يك جهتی پیدا کرد البته نمیشود توقیف کرد . اینکه گفته شده است بطور کلی مواردش را هم که عرض کردم در نظر گرفته ایم چیزهایی است که توقیف بشود نمیشود جبران کرد . فرضاً عوامل زراعتی يك جفت گاو زراعتی در دست يك دهقانی است اینرا

عوامل زراعتی هم با این وضعیت که در دنیای امروز ما مشاهده میکنیم چیز کم و کوچکی نیست . چیزهایی که از اروپا بایران می آورند برای شیار و شخم و پوک کردن خرمن هر کدام از اینها سه هزار تومان قیمتش است همه اینها را خریده آقا برده و سی هزار تومان قیمت دارد همه هم عوامل زراعتی است من عینش را میخواهم رفقی ادعای من متوجه بر عین شد بنده عقیده ام این است که اینجا را باید یکقدری بیشتر دقت کرد همچو زیاد هم نمیشود این را به مساعله و مساعه گذراندمگر بنده يك تبصره پیشنهاد کردم که بمقام منبع ریاست تقدیم میکنم که باین ماده اضافه شود . نوشته شود مگر آنچه که ادعای مدعی بعین آن مستثنیات باشد که در آنصورت قابل نظراست و دیگر نمیشود توقیف کرد .

آقا سید یعقوب -- بله صحیح است و انکان ذوعسرة نظرة الی میسرة

اورنگ -- ای والله

رئیس -- موافق دیگری نیست . آقای آقا سید یعقوب موافقت

آقا سید یعقوب -- بلی آقای اورنگ را توجه میدهم باین که این قانون مدنی که نوشته شده مطابق با اصل مذهبی مان است و انکان ذوعسرة نظرة الی میسرة

حاج سید محمود -- به عین است .

جمشیدی -- بلی دین غیر از عین است (زنك)

آقا سید یعقوب -- نظر بهمین است مثلاً این مدعی میگوید که الان شما بر آن دعوی میکنید اسباب زراعتی است گاو زراعتی است این از مستثنیات است ما که دعوی نداریم . الا ذوعسرة

حاج سید محمود -- دینش است .

آقا سید یعقوب -- عجب دین کدام است !؟ دین

برده است . بر ذمه او تعلق گرفته و شرع مستثنی کرده است ! پولی از بنده جناب عالی قرض کرده اید رفته اید خانه خریده اید . من در ازایش مضمن است . پول از من قرض کرده رفته خانه خریده خانه از مستثنیات دین است نباید در آنجا گفت که چون دشمن در مقابل من است پس باید اینطور باشد اینجا جای آن است که نظرة الی میسرة باید منظور گردد و باید باو مهلت داد که دارای یسار و مقدرت بشود این فلسفه دیانت و قانون عدالت است حالا شما در این موردی که يك قدری عدالت دارد میخواهید مجادله کنید .

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- عرض کنم بیاناتی که آقا بان کردند بکلی بر خلاف جریان است میفرمایند اگر عین مستثنیات مدعی به باشد بعقیده بنده اگر محکوم بشود باید بگیرند باو بدهند (کیا نوری -- در صورتیکه محکوم شده باشد) بنده بروم لباس يك کسی را بردارم بیوشم یا ازش بخرم پولش را ندهم بعد بخواهند توقیف کنند نشود ! این شبهه ندارد . مستثنیات دین در وقتی است که دین عمومی باشد بانها دست زنند و اگر چیزی زاید دارد باو بدهند ولی اگر چیزی که محکوم شد عین مدعی به باشد باید بگیرند بهش بدهند . علاوه بر این مسئله در ماده بعد هم تقریباً تصریح میشود نوشته است که اگر عین مدعی به را بخواهند تاهین کنند . آنجا نگفته اگر همچو باشد فلان . عین مدعی به را گفته . در ماده شانزده نوشته : هرگاه مدعی به با محکوم به عین معین باشد مادام که توقیف آن عین ممکن است توقیف سایر اموال ممنوع است . اینجا هم دیگر نگفته اند که مستثنیات دین از آن خارج شود . . .

مخبر -- آن ماده مستقلی است .

دشتی -- مقصود این است که اگر مدعی به از مستثنیات دین هم باشد بطور حتم باید تاهین شود .

کالزونی - بعد از محکومیت

مخبر - عرض کنم قانون که در اینجا گفته معلوم است و مطابق عقاید دنیا است که خانه شخصی مدعی که درش نشسته است نمیشود او را بیرون کرد ناهنوز محاکمه تمام نشده و محکوم نشده . اما وقتی که محکوم شد و حکم قطعی صادر کرد که بگیرند البته حق باشما است ولی هنوز قضیه روشن نیست کسی را از خانه اش بیرون نمیکنند و لباس کسی را باسم تامین بیرون نمی آورند مقصود بنده هم این بود موارد را اگر دقت بفرمایند مواردش مشکل نیست که بالاخره بعضی هایش قابل رعایت است و قابل ملاحظه است نباید عین آن را چون مورد دعوی است تامین کرد . تامین مدعی به قرار (باصلاح) اعدادی است برای جریان محاکمه . برای احقاق حق نیست . برای حکم نیست برای این است که تک می کنند جریان محاکمه سریع میکند محاکمه را در محاکمه هیچ حق و باطل و اینکه حق با مدعی است با مدعی علیه این را تعیین نمیکند . پس ما نمیخواهیم آن چیزهایی را که شرعاً و انصافاً بایستی مستثنی باشد قبلاً توقیف کنیم .

رئیس - آقای حاج سید محمود

حاج سید محمود - فرمایشات آقای آقا سید یعقوب راجع باین موضوع نیست فرمایشاتی که فرمودند راجع به دین است اینجا ادعا بر اصل همان مستثنیات دین است یعنی عین است این که آقا میفرمایند در صورتیکه ممکن باشد توقیف کردن خانه که منزل مدعی علیه نباشد محل حاجت هم نیست آن باید توقیف شود (مخبر - اگر دونا باشد میشود) لباس اگر محل حاجت هم نیست دونا لباس باید یکی از آن را توقیف کرد و همان ترتیبی است که آقای دشتی اشاره کردند .

مخبر - بنده عرض نکردم اگر کسی پنج نا خانه دارد جزو مستثنیات دین است !! توقیف کنند اینجا مستثنی نیست ولی آن خانه که نشسته است عائله اش

نبايد رفت وزن و بچه اش را از آنجا بیرون کرد (دشتی تامین خانه مستلزم بیرون کردن اهل خانه نیست) و توقیف کرد (صحیح است)

رئیس - آقای دشتی فرمایشی دارید ؟

دشتی - بله بنده میخواستم فقط این بگویم که عرض کنم که تامین خانه عبارت از بیرون کردن از خانه نیست (باسائی - لباس چطور ؟) تامین خانه که از مستثنیات دین است باید طوری با او رفتار کنند که او را نفروشد اجاره ندهد بیع شرط نکنند و مقصود از تامین این نیست که بلافاصله دست او را بگیرند ببنده بیرون مثلاً يك جفت گاو دارد برای زراعت باید تامین کنند که این گاو را نفروشد و اگر مربوط بامور شخصی است باو بدهند و در این مدت هم مال الاجاره او را بدهند مقصود این است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای حاج سید محمود که توجه به جزئیات میکنند ما توجه بفرمایشات ایشان داریم ایشان توجه بعراض ما نمیکنند بیاناتی که آقای باسائی فرمودند مطابق همان نظر بنده است ما که اینجا قانون اجرای حکم را نمی گذرانیم . کلام در توقیف مدعی به است نه قانون اجرای احکام صادره از محاکم وقتی که قانون اجرای احکام صادره از محاکم آمد آنوقت يك نظری هست بنده در اینجا نظرم بقدری نظر ارفاقي است که میگویم اگر خانه مال او هم باشد به دلیل و آن کان ذر عسرة فنظرة الی میسرنا باید او را رعایت کنیم کلام اینجا در تامین مدعی به است میگویم تا هنوز ثابت نشده چطور میشود لباس را از تن او بیرون بیاورند که شما میخواهید تامین بکنید نمی توانید این کار را بکنید این معنائش این است که ارفاق هیچ نباشد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود باید تامین شود .

[۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - بعضی از آقایان پیشنهاد کرده اند که جلسه را ختم کنیم (صحیح است) اگر موافقت می فرمائید جلسه آینده یکشنبه دهم آذر سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکرات راجع به لایحه تامین مدعی به

(مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر